

### آیاتی بیشتر در باره بردگی و حدیثی از پیامبر

احکام الهی اسلام درباره بردگان فقط به آیات یاد شده خلاصه نمی شود. در قرآن آیات دیگر نیز هست که به مشروعیت بخشیدن این عمل غیر انسانی صحت می گذارد.

#### در آیه ۷۱ سوره نحل

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

ترجمه:

و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است و [لی] کسانی که فزونی یافته اند روزی خود را به بندگان خود نمی دهند تا در آن با هم مساوی باشند آیا باز نعمت خدا را انکار می کنند.

به سخن دیگر، موجودیت برده و برده داری، عدم تساوی بین انسان ها کار و خواست خداست، اینکه یکی آزاد است دیگری برده، این نیز خواست خداست، زیرا او است که یکی را بر دیگری برتری داده است، آن کس که روزی فزون دارد از روزی خود به برده خود نمی دهد تا باهم مساوی نشوند.

در آیه ۷۵ سوره نحل، الله برده ها را نه به عنوان یک انسان، بلکه مانند چیزی که هیچ کاری از او بر نمی آید تشبیه میکند و می گوید که بنده ای است زرخیر که هیچ کاری از او بر نمی آید. آیا [ او ] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می کند یکسان است؟

ترجمه آیه ۷۵ سوره نحل:

خدا مثلی می زند: بنده ای است زرخیر که هیچ کاری از او بر نمی آید. آیا [ او ] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می کند یکسان است؟ سپاس خدای راست. [ نه، ] بلکه بیشترشان نمی دانند.

الله هم درین مثال عجب منطقی به کار می برد! آیا الله خودش ندیده بود که همین برده پیش از اسیر شدن یا برده شدن یک انسان آزاد بود و سرنوشت خود را به دست و اختیار خود داشت. به سخن دیگر او چنین نبود که هیچ کاری از او بر نیاید. افزون بر آن، درین آیه نیز به گونه ضمنی بیان می کند که برده بودن و آزاد بودن اراده خدا است، نابرابر بودن آنان نیز اراده خداست.

به سخنی دیگر یک برده بیچاره باید بردگی اش را قبول کند، به آن بسازد و بسوزد و شکرگزار خدا هم باشد.

یک عمل زشت دیگر که الله برای مسلمانان حلال کرده است، حلال کردن زنان شوهردار غیر مسلمان است که به دست مسلمانان اسیر شده اند یعنی تبدیل به کنیز شده اند.

الله در آیه ۲۴ سوره نسا یاد می کند که زنان شوهر دار بر مسلمانان حرام است مگر آن زنانی شوهر داری که در زمان جنگ با غیر مسلمانان به ملکیت مسلمانان در آمده است.

البته مراد درینجا زنانی اند که شوهر های شان را مسلمانان یا کشته اند، یا شوهران شان در اسارت مسلمانان اند ولی زنان آنان را مسلمانان کنیز کرده اند. به چنین زنانی می توان بدون هیچ مراسم ازدواج و تشریفات همخوابگی کرد. اگر آنان میخوانند یا نه، مهم نیست.

اگر در جنگ های مسلمانان با غیر مسلمانان، زنان غیر مسلمان به دست مسلمانان اسیر شوند، این زنان بدبخت غنیمت و مال مشروع مسلمانان اند. الله به مسلمانان می گوید که زنان محصنه (زنان شوهردار) برای شما حرام است مگر آن زنانی که مالک آنان شده اید، یعنی زنان کافر که غنیمت جنگی اند (الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ). طوری که این آیه می فرماید خدا زنانی را که مسلمانان شوهرهای شان در جهاد خود کشته اند، به دست باز به خدمت جهادگران می گذارد. این کار را پیامبر اسلام نیز انجام داده است.

البته موجودیت چنین آیاتی به هر انسان آزاداندیش و بی تعصب حق میدهد که شک کند که نمی توان آیات را کلام خدا دانست.

جالب شأن نزول این آیه است. در مورد شأن نزول این آیه در تفسیر طبری جلد ۵ آمده است:

عن أبي سعيد الخدري قال أصبنا نساء من سبي أوطاس لهن أزواج فكرهنا أن نقع عليهن ولهن أزواج فسالنا النبي فنزلت والمحصنات من النساء إلا ما ملكت أيمانكم فاستحللنا فروجهن.

ترجمه: ابی سعید گفت در جنگ با اهل اوطاس ما زنانی را اسیر گرفتیم که شوهر داشتند. پس ما کراهت داشتیم که بر آنان بیفتیم. یعنی با آنان آمیزش جنسی کنیم. ما از پیامبر پرسیدیم... آن وقت این آیه والمحصنات من النساء... نازل شد و برای ما آلت جنسی آن زنان را حلال کرد.

آلت جنسی یا شرمگاه آنان را برای مسلمانان حلال کرد. این حدیث در معتبرترین منابع اسلامی دیگر مثل صحیح مسلم، سنن نسائی، سنن ابوداود است و غیره نیز آمده است.

همانگونه که هویدا است، در جنگ ها تجاوز جنسی جهادگران اسلامی به زنان عادی بوده است. اما اعرابی هم بوده اند که اخلاق انسانی شان حکم می کرده است که این عمل ناشایست و ناپسند غیر اخلاقی است یعنی با زنان شوهردار نباید تجاوز کرد.

این حدیث به گونه روشن و مستند نشان میدهد که اعراب بدوی آن زمان از فهم و درک موازین ساده اخلاقی و انسانی بی بهره نبوده اند. حد اقل درین مثال، اخلاق انسانی آن سربازان که از جامعه پیش از اسلام برخاسته بودند و حالا در خدمت پیامبر بودند، از روش اخلاقی که درین آیه آمده است، عالی تر بوده است. این آیه تجاوز جنسی به زنان شوهردار اسیر را برای مسلمانان جاودانه ساخت.

جمله: «ما زنانی را اسیر گرفتیم که شوهر داشتند»، می رساند که شوهران شان هنوز زنده بوده اند. حتا عرب های بی سواد، سربازان عادی و بیسواد آن زمان عرب از آمیزش جنسی با زنان شوهر دار

اسیر کراهت اخلاقی داشتند. اما پیامبر با آوردن این آیه، این کراهت انسانی و اخلاقی را نابود کرد و به آنان اجازه داد با زنان اسیر تجاوز جنسی کنند.

در اسلام کنیز و برده کالا و دارایی هستند، نه انسان و آنان حق انتخاب همسر و کار و منزل و مال و حقوق انسانی دیگر را ندارند. این یکی از زشتترین چهره های ضد بشری اسلام است، که زنان غیرمسلمان را به بردگان دائمی جنسی مسلمانان تبدیل می کند.

الله همچنان در آیات ۵ و ۶ سوره مومنون خطاب به مومنان می گوید که آنان یعنی مومنان نگهدارنده نیروی شهوت خویش اند، مگر با همسران خود و یا کنیزان ملکی خود، که آنان ( در اعمال شهوت در این موارد ) مورد سرزنش نیستند. یعنی عمل جنسی یا سکس با کنیز حلال است و کنیز هم کسی است که مسلمانان بعد از قتل یا بردگی شوهر اش، یا خویشاوندان اش، او را تصاحب کرده یا آن را در بازار برده فروشان خریده است.

درینجا موضوع این است که چگونه الله در دین اسلام بردگی انسان توسط هموعش را، یا چگونه بردگی یک کافر توسط مسلمان را، و چگونه همخوابگی با کنیزان و خرید و فروش آنان را که یک عمل زشت، ضد انسانی و ضد اخلاقی و ضد کرامت انسانی است، با آوردن آیات در قرآن مشروع، قانونی و عادلانه جلوه می دهد و پیروان همین دین مانند داعش و گروههای دیگر بدون هیچ شرم و حیا ازین عمل ضد بشری و اخلاقی پیروی می کنند.

البته عده که از دین خود آگاه نیستند، به جای اینکه درباره الهی بودن یا نبودن چنین آیاتی فکر کنند، خشم و نفرت خود را متوجه کسانی می کنند که این آیات را نقد و بررسی می کنند، یا محتوایی واقعی آنان را فاش می کنند.

نباید از یاد برد که بردگی را در جهان کشورهای غیر اسلامی منع کرده اند، نه کشورهای اسلامی، زیرا بردگی را الله منع نکرده است. در اسلام قرآن و حدیث منابع دست اول شریعت اسلامی اند. اما بردگی امروز جنایت علیه بشریت شمرده می شود.

البته امروز این عمل یک جنایت سنگین علیه بشریت و نیز جنایت جنگی شمرده می شود. این عمل را جهادی های داعش بر ضد مردم بی دفاع ایزدی عراق در عمل تطبیق کردند.

اگر آنان قدرت و زور این کار را پیدا کنند، در آینده هم این اعمال را انجام خواهند داد. اگر ممکن باشد نه تنها برضد ایزدی ها بلکه در همه جهان تطبیق خواهند کرد.

مطابق آیه ۳۳ سوره مایده در قرآن، هرکسی که مسلمان نیست، دشمن خدا و رسول خداست و مسلمانان باید با آنان بجنگند. در واقعیت مسلمان نبودن به معنای چنگیدن به خدا و رسول او و فساد کردند به روی زمین است.

محمد به این بهانه به جنگ غیر مسلمانان میرفت و آن را یا مسلمان می کرد، اگر مسلمان نمی شدند می کشت.

معلومات است که سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا

از آن سرزمین تبعید گردند. این ، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت. یعنی الله یکبار جزا نمی دهد، جزای او دایمی است. (آیه ۳۳ سوره مایده)

در جنگهای که مسلمانان با کافران می کنند، خدا مانند یک فرمانده جنگی واقعی با فرشتگان و مسلمانان همراه می شود و در امر جنگ توصیه می کند.

چنانچه مطابق آیه های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سوره انفال مسلمانان را به جنگ ترغیب می کند و به فرشتگان وحی می کند که من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده اند ثابت قدم بدارید. به زودی در دل کافران من وحشت خواهم افکند. پس، فراز گردنها را بزنید ، و همه سرانگشتانشان را قلم کنید. این [کیفر] بدان سبب است که آنان با خدا و پیامبر او به مخالفت برخاستند ، و هر کس با خدا و پیامبر او به مخالفت برخیزد قطعاً خدا سخت کیفر است.

به کافران می گوید که این [عذاب دنیا] را بچشید، و [ بدانید که ] برای کافران عذاب آتش خواهد بود. ای کسانی که ایمان آورده اید ، هر گاه [ در میدان نبرد ] به کافران برخورد کردید که [ به سوی شما ] روی می آورند، به آنان پشت مکنید.

باید گفت که هر آنچه مسلمانان تندر و انجام می دهند، بی پیشینه نیست. هر عمل که آنان انجام میدهند، شواهد آن را در متون اسلامی می توان یافت.

چنانچه در ابتدای این نوشته یاد آور شدم که جنیفر وینیش زن ۳۲ ساله آلمانی چگونه یک دختر پنجساله ایزدی را در آفتاب سوزان بسته و گذاشته بود تا از شدت گرما و تشنگی بمیرد. او با خونسردی کامل باعث قتل آن دختر شد.

مثال این حادثه را می توان در رفتار پیامبر اسلام بر اساس نوشته های خود مسلمانان نیز مشاهده کرد. امام بخاری در جلد ۱، کتاب ۴، شماره ۲۳۳ صحیح بخاری چنین روایت می کند:

«منقول است از ابوقلابه که او باز از انس روایت می کند که گفت: تعدادی از افراد قبیله عقل یا اورینه به مدینه آمدند و آب و هوای مدینه به ایشان نساخت. بنابراین پیامبر به ایشان دستور داد که به یک گله شتر شیرده بروند و از شیر و شاشه شترها بنوشند (به عنوان درمان پزشکی).

بنابراین آنها به دستور پیامبر عمل کردند و وقتی حالشان خوب شد چوپان پیامبر را کشتند و شترها را رم دادند/بردند. این خبر فردا صبح به پیامبر رسید و وی مردانی را برای پیگیری آنان فرستاد و آن افراد دستگیر شده در هنگام ظهر آورده شدند. پیامبر دستور داد دستها و پاهایشان را قطع کنند (این کار انجام داده شد) و چشمانشان با تکه ای آهن گداخته داغ شده، کور شد. آنها را در سنگستان مدینه به نام الحره افکندند و وقتی که درخواست آب کردند آبی به آنها داده نشد. ابوقلابه گفت: آنان دزدی کردند و قتل نمودند و کافر شدند پس از آنکه اسلام آورده بودند و با الله و رسولش جنگیدند.»

آن شتر دزدان، دزدی کردند و قتل نمودند و کافر شدند پس از آنکه اسلام آورده بودند و با الله و رسولش جنگیدند، ولی این کودک بیچاره ایزدی به خردسالی برده شد. او نه از خود آزادی داشت و نه هم توان جنگ و ستیز را. گناهش مسلمان نبودن و شاشیدن در بستر خواب بود که از کودکان با این سن و سال چیزی غیر عادی هم نیست.

ادامه دارد...